

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

گروه فلسفه اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک دکتری

رشته فلسفه اسلامی

عنوان:

بررسی مقایسه‌ای صقع ربوبی از منظر حکمت متعالیه و عرفان نظری و کارکردهای آن

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر محسن قمی

استاد مشاور:

حجه الاسلام و المسلمین علی امینی نژاد

نگارش:

حسام الدین شریفی

بهمن 1394

چکیده

نظام هستی شناسانه ملاصدرا از عرفان ابن عربی و پیروان او بهره بسیاری برد و مکتبی فلسفی را رقم زد که بسیاری از نظریات عرفانی در آن تلقی به قبول شد. یکی از این آموزه‌ها صقع ربوبی است. ملاصدرا به صورت روش‌مند و برهانی به تبیین صقع ربوبی پرداخت. او با تبیین مقام ذات یا احدیت و تمایز بخشیدن آن از مقام واحدیت یا عالم اله، بخش دوم را صقع ربوبی دانست. از نظر وی، احدیت، همان حقیقت مطلق وجود و مقام وجود محض و حضرت غیب الغیوبی است که هیچ اسم و رسمی ندارد ولی منشأ تمام اسماء و صفات است. این نظر او با اکثر عرفا که احدیت را اولین تعین حق می‌دانند در تعارض است. از نظر بیشتر عرفا، صقع ربوبی شامل احدیت و واحدیت به عنوان تعین اول و ثانی است ولی ملاصدرا، تنها واحدیت را در صقع ربوبی قرار می‌دهد و احدیت را همان مقام ذات می‌داند. او همچون عرفا، کثرت اسماء و صفات الهی را در واحدیت می‌داند. اسماء و صفات در صقع ربوبی، اولین تجلیات حق تعالی هستند که به صورت معانی و اضافات معقول از حق تعالی متجلی می‌شوند. علاوه بر اسماء و صفات، اعیان ثابت از لوازم اسماء و صفات الهی و در صقع ربوبی هستند. ملاصدرا عقول و مفارقات را نیز جزو عالم اله و صقع ربوبی می‌داند. از خصوصیات صقع ربوبی آن است که حقایق موجود در صقع ربوبی به وجود حق موجود و به وجود او واجب هستند و واسطه میان خلق و خالق به شمار می‌روند. با تبیین صقع ربوبی، برخی مسائل فلسفی توسط ملاصدرا، تفسیرهای جدیدی می‌یابند. از جمله آنکه: 1. تجلیات موجود در صقع ربوبی، معانی و اضافات معقول ذات و تجلیات علمی حق هستند. تجلیات موجود در صقع ربوبی، در مقابل تجلیات وجودی حق تعالی هستند که عالم ممکنات را تشکیل می‌دهند. 2. صور موجود در صقع ربوبی یا اعیان ثابت، علم الهی به مخلوقات پیش از خلقت آنها هستند. 3 با صقع ربوبی که معانی کثیر موجود به وجود ذات هستند و واسطه شدن آنها میان ذات و ممکنات، ربط واحد به کثیر قابل تبیین است. 4. با قرار گرفتن عالم عقل در صقع ربوبی، تنها عالم مثال و ماده جزو ممکنات هستند و به این ترتیب ملاصدرا به حدوث همه ممکنات حکم می‌کند. 5. علم خداوند به موجودات مختار در صقع ربوبی با قید اختیار صورت گرفته است و تبیین گر افعال اختیاری انسان است و مباحث دیگری از این دست.

کلید واژه: ملاصدرا، عرفان نظری، صقع ربوبی، احدیت، واحدیت، اعیان ثابت، اسماء و صفات

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



- 2-1-1- خصوصیات حقیقت وجود Error! Bookmark not defined.
- 2-1-2- خصوصیات واجب الوجود Error! Bookmark not defined.
- 2-1-3- تطابق حقیقت وجود و واجب Error! Bookmark not defined.
- 2-1-4- اشکالات تطابق حقیقت وجود و واجب Error! Bookmark not defined.
- 2-1-5- اعتبارات حقیقت وجود Error! Bookmark not defined.

2-2- مبانی ملاصدرا، در بیان نسبت وجود واجب با تجلیات Error! Bookmark not defined.

- 2-2-1- وجود رابط Error! Bookmark not defined.
- 2-2-2- تشکیک در وجود Error! Bookmark not defined.
- 2-2-3- وحدت وجود و کثرات Error! Bookmark not defined.
- 2-2-4- مقایسه تشکیک و وحدت وجود Error! Bookmark not defined.
- 2-2-5- ارتباط تشکیک در وجود و وحدت وجود در کلام ملاصدرا Error! Bookmark not defined.
- 2-2-6- وحدت وجود و جایگاه ماهیات Error! Bookmark not defined.
- 2-2-7- وجود خاص ماهیت Error! Bookmark not defined.

2-3- احدیت و نسبت آن با ذات Error! Bookmark not defined.

- 2-3-1- حقایق اندماجی و نحوه تقرر آنها Error! Bookmark not defined.
- 2-3-2- حقایق اندماجی در ذات حق تعالی Error! Bookmark not defined.
- 2-3-3- خصوصیات احدیت در نظر ملاصدرا Error! Bookmark not defined.

2-4- واحدیت یا عالم اسماء و اعیان ثابته Error! Bookmark not defined.

- 2-4-1- اسم و صفت عرفانی Error! Bookmark not defined.
- 2-4-2- صفات الهی و رابطه آن‌ها با ذات Error! Bookmark not defined.
- 2-4-3- مراتب عالم اسماء Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4- علم واجب به مخلوقات قبل از ایجاد Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-1- علم واجب به موجودات قبل از ایجاد از طریق مثل Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-2- صور مرتسمه Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-3- علم اجمالی در عین کشف تفصیلی Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-3-1- اثبات علم ذاتی تفصیلی Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-3-2- مراتب علم الهی Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-5- اعیان ثابته Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-5-1- تعریف اعیان ثابته Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-5-2- جعل اعیان ثابته Error! Bookmark not defined.
- 2-4-4-5-3- انواع تحقق اعیان ثابته Error! Bookmark not defined.

2-5- عالم عقل Error! Bookmark not defined.

2-6- جمع‌بندی نظریات ملاصدرا و عرفان نظری در صقع ربوبی و ذکر نوآوری‌های رساله Error!

Bookmark not defined.

فصل سوم: کارکردها و نتایج صقع ربوبی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

منابع ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

مقدمه

بیان مسأله

سخن از صقع ربوبی و عالم اله در میان عرفا جایگاه خاصی دارد. در عرفان نظری با تقسیم تعینات به کونی و حقی (فوق عالم امکان)، قسم دوم را صقع ربوبی می نامند که صفات و اسماء حق و اعیان ثابت در آن مقام معنا می یابند. ویژگی صقع ربوبی آن است که تنها برای حق ظاهر است و برای جز او ظاهر نیست. همانند ذهن انسان که تنها برای خود او معلوم است نه برای دیگران. هنگامی که از صقع ربوبی سخن می گوئیم، در موطن وجود هستیم و هنوز به ساحت تعینات امکانی وارد نشده ایم. صقع ربوبی شامل دو تعین اول و ثانی است و مرتبه ای از مراتب ذات است که خارج از مراتب کونی و ممکنات است و در عین حال مظهري از مظاهر و تعینی از تعینات وجود مطلق است. سخن گفتن از ذات غیب الغیوبی و شناخت حقیقت آن امکان پذیر نیست ولی صقع ربوبی قابل فهم و ادراک است و تعینات علمی وجود مطلق، به شمار می رود.

به باور عرفا، تعین اول، به عنوان اولین مرتبه از صقع ربوبی، علم حق به وجود از جهت وحدت اطلاقی است که شامل تمام مراتب مادون به نحو اندماجی است. مرتبه دوم صقع ربوبی، تعین ثانی است که علم حق به نحو تفصیلی است که تمام اسماء و صفات را در بر دارد. بحث از وجود واجب حق تعالی، افاضه و ایجاد، الوهیت، علم پیشین حق، سایر اسماء و صفات حق به نحو مفصل و ارتباط واحد با کثیر، جبر و اختیار و مسائلی دیگر، در این وعاء شکل می گیرد. در حالی که مقام ذات غیب الغیوبی نسبت به تمامی این اوصاف، مطلق است و سخنی از این دست مسائل در آنجا راه ندارد.

در مقایسه با عرفان نظری، آنچه فیلسوفان واجب الوجود می دانند، اسم جامع الله در تعین ثانی یا در نهایت تعین اول است. در فلسفه اوصافی چون وجود، خلقت، علم اجمالی در عین کشف

تفصیلی، صدور ممکنات از واجب و اوصاف دیگر حق تعالی، همگی به ذات واجب الوجود نسبت داده می شوند. گویا در آنجا تفکیکی میان ذات که غیب محض است و تعین اول و اسم جامع الله، وجود ندارد و ذات در حد تعین اول یا اسم جامع الله معرفی می شود. مشاء علم حق تعالی به ذات را مستلزم علم به کثرات می دانند. در حالی که در عرفان، با تکیه به علو مقام ذات و اطلاق مقسمی آن که از هر قیدی مبراست، علم ذات به ذات از حیث وحدت حقیقی، تعین اول و علم ذات به ذات با لحاظ کثرات، تعین ثانی دانسته شده است. در تعین ثانی، ذات به ذات از حیث کثرات و در تعین اول از حیث وحدت حقیقی علم دارد. چرا عارفان به جای طرح علم حق در مقام ذات، علم در تعین اول و ثانی را مطرح کردند؟ آیا از نظر عرفا علم اجمالی یا تفصیلی ذات به ذات در مرتبه ذات مطرح نیست؟ اگر مطرح است چگونه توسط عرفا توضیح داده شده است و تفاوت آن با علم در مرتبه ذاتی که فلاسفه بیان کرده اند چیست؟

بعد از مکتب مشاء و اشراق، ملاصدرا بر اساس اصول و مبانی فلسفی خود نظام فلسفی بنیان نهاد که موجب شکل گیری مکتب جدیدی در فلسفه گردید. وی در فلسفه خود از عرفان ابن عربی و پیروان او بهره بسیاری برد و مکتبی را رقم زد که در آن بسیاری از نظریات عرفانی، برهانی و استدلالی گشت. این مکتب فلسفی، بر تقریرهای عرفان نظری پس از ملاصدرا تأثیرگذار بود. به گونه ای که اکثر اساتید عرفان نظری پس از وی، در سلسله شاگردان مکتب فلسفی صدرا شمرده می شوند. در این راستا تأثیر ملاصدرا و حکمت متعالیه بر عرفان نظری به دو صورت متصور است:

نخست آن که ملاصدرا با غنی سازی زبان عرفان و جعل اصطلاحاتی که از پشتوانه فلسفی برخوردار بودند، به تقریرهای قوی تر و دقیق تری از مباحث مطرح در عرفان نظری یاری رسانده است. دیگر آنکه وی با تأسیس اصولی در حکمت متعالیه، نظامی هستی شناسانه در افکنده است. این نظام به تقریرهای جدیدی در عرفان نظری انجامیده است و شاید بتوان آن را نظامی هم عرض نظام هستی شناسانه عرفان نظری قبل از وی دانست. در این راستا آموزه هایی که ملاصدرا پیرامون مقام ذات، صقع ربوبی و صفات الهی بیان کرده است در این تحقیق بررسی می گردند و با مطالبی نظیر آنها در عرفان نظری قبل از او مقایسه می شوند.

با توجه به آموزه‌های ملاصدرا در حکمت متعالیه، بن‌مایه‌های عرفان نظری پس از وی، چه بسا از مسیر عرفان نظری پیروان مکتب ابن‌عربی قابل تمییز باشد. روشن است که نفی یا اثبات هر یک از این دو فرض و تعیین حدود هر یک نیازمند تحقیقی جدی است. در این تحقیق با تمرکز بر مقام صقع ربوبی به بررسی این نکته می‌پردازیم که آیا تعالیم ملاصدرا موجب فهم بهتر و دقیق‌تری از صقع ربوبی در عرفان نظری گشته است یا آنکه موجب شده است صقع ربوبی بیان شده در عرفان نظری با آنچه در نظر عرفای پیش از او بوده است به گونه‌ای دیگر تفسیر گردد.

مسأله دیگری که در این پژوهش پی‌گیری می‌شود، کارکردهای مرتبه صقع ربوبی در حل برخی مسائل است. با روشن شدن نظر ملاصدرا، پیرامون صقع ربوبی، یافتن تأثیرات و کارکردهای صقع ربوبی در حل مسائل روشن می‌شود. مسائلی از جمله: تمایز میان تجلیات علمی و عینی حق، چگونگی ربط میان واحد و کثیر، چگونگی علم اجمالی در عین کشف تفصیلی، جمع بین تشبیه و تنزیه، توحید افعالی خدا و اختیار انسان و تبیین جبر و اختیار.

اهمیت و فایده

دست‌یابی به دیدگاه ملاصدرا پیرامون مقام ذات و صفات و نحوه تأثیر آموزه‌های ملاصدرا بر تفسیرهای عرفان نظری را می‌توان یکی از کارکردهای علمی این تحقیق دانست. بررسی این مطلب آن زمان اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم، عرفان نظری بیشتر در فضایی شکل گرفت که اصالت ماهیت در فلسفه به پیروی از سهرودی و دیدگاه‌های اشعری و معتزلی در کلام غلبه داشت. در این فضا گرچه عرفا بسیاری از آموزه‌های مشاء و متکلمان را قبول نداشتند ولی به ناچار برای توضیح آموزه‌های خود از زبان علمی این دو گروه کمک گرفتند. این مسأله مشکلاتی را ایجاد کرد، به گونه‌ای که دوانی نظریه اصالت وجود واجب و اصالت ماهیت ممکنات را ذوق تأله و همان رأی عرفا دانست و یا آن که اعیان ثابتة در برخی داوریه‌ها، همان «ثابتات ازلی» متکلمان معتزلی دانسته شد و نظریه تعیین ثانی و پدید آمدن تعینات، در چنین فضایی حل و فصل شد. حال آن که گفته‌های عرفا با اصالت وجود و فضای حاکم بر آن سازگارتر است و در متون بسیاری به تفاوت اعیان ثابتة با ثابتات ازلی

متکلمان تصریح داشته‌اند بلکه باید گفت، یکی از منشأهای نظریه اصالت وجود، تصریحات عرفا به آن بوده است. لذا تفسیرهای ماهوی و کلامی از دیدگاه‌های عرفانی درست به نظر نمی‌آید. اگر گاهی در سخنان عرفا اشاراتی به برخی اصطلاحات متکلمین می‌شود، از روی ضرورت و نبود اصول و اصطلاحات کافی در عرفان بوده است. با توجه به این نکته باید گفت، تقریرهای عرفان نظری قبل صدرا، به کمک اصول و مبانی فلسفی صدرا و اصطلاحاتی که بر مبنای اصالت وجود شکل گرفته‌اند، جنبه معقول‌تری به خود می‌گیرد و از استحکام و قوت بیشتری به‌رمند می‌شود.

پیشینه تحقیق

در اکثر کتاب‌های فلسفی بحث مستقلی پیرامون ذات و صفات حق وجود دارد. از نظر برخی از حکما همچون افلاطون، فلوطین، فارابی، ابن سینا، در طول عوالم عقلی، مثالی و مادی، عالمی وجود دارد که از آن با عالم اله، عالم ربوبی، صقع الهی، مقام الوهی و عالم الهی، مراتب الهی و مقامات ربوبی یاد می‌شود. در میان تحقیقاتی که در این زمینه وجود دارد، دیده نشده است که به این عالم، خصوصیات و آثار آن به صورت مستقل پرداخته شود و نظر حکمای مشاء و اشراق در این زمینه بیان شود. چرا که توجه به این عالم و ویژگی‌های آن بیشتر در کتابهای عرفانی دیده می‌شود. در این آثار از تعیین اول و ثانی به عنوان دو تجلی موجود در صقع ربوبی یاد شده است و به خصوصیات هر یک از این دو تجلی پرداخته شده است.

علاوه بر آن در درس گفتارهای عرفان نظری مانند درسهای استاد جوادی آملی پیرامون تمهید القواعد و شرح فصوص، عرفان نظری نوشته یحیی یثربی، مبانی و اصول عرفان نظری یدالله یزدان پناه دیدگاه عرفا درباره صقع ربوبی بیان شده است. در کتاب اخیر دیدگاه عرفا در باب صقع ربوبی گاه با نظریات ملاصدرا تبیین شده است ولی به صورت مستقل و مفصل به نظر ملاصدرا در باب ذات حق، احدیت، واحدیت و خصوصیات هر یک اشاره نشده است.

غیر از این درس گفتارها، تحقیق‌هایی در زمینه بررسی مقام ذات و صفات الهی وجود دارد از جمله: کتاب «ذات و صفات الهی در حکمت متعالیه»، چاپ بوستان کتاب که به خصوصیات ذات و

صفات الهی می‌پردازد. در این کتاب مانند بیشتر کتابهای فلسفی، مقام ذات، صفات الهی و رابطه صفات با ذات ذکر شده است ولی اشاره‌ای به صقع ربوبی و دیدگاههای عرفانی ملاصدرا در این رابطه نشده است. مراتب اسماء و صفات در احدیت و واحدیت و اعیان ثابت مسأله‌ای است که در این کتاب به آن اشاره نشده است. کتاب دیگر، «اعیان ثابته از منظر عرفان نظری» نوشته اصغر نوروزی چاپ شده در موسسه امام خمینی است. در این کتاب به دیدگاه عرفا درباره اعیان ثابت پرداخته شده است ولی به صورت مستقل نظر ملاصدرا پیرامون اعیان ثابت و به صورت عام‌تر صقع ربوبی بیان نشده است. اثر دیگر، کتاب «ابن عربی و اشاعره» نوشته عیسی جعفری چاپ شده در موسسه امام خمینی است که به مقایسه دیدگاههای ابن عربی و اشاعره پرداخته است. در این کتاب نظر ابن عربی درباره اعیان ثابت و نحوه وجود آنها بیان شده است.

نوشته دیگر، پایان نامه «مقام ذات و احکام آن در عرفان اسلامی» نوشته محمد میری ارائه شده در موسسه امام خمینی است. در این پایان نامه، مقام ذات به خوبی تبیین شده است و نظر عرفا در این باره بیان شده است ولی دیدگاه ملاصدرا پیرامون مقام ذات و نسبت آن با احدیت و وجود اطلاق بیان نشده است. تحقیق دیگر، پایان نامه «اعیان ثابته و لوازم آن در شریعت» نوشته سید محمد معلمی است که دیدگاه عرفا درباره اعیان ثابت و کارکردهای آن در شریعت بیان شده است. در حالی که به صقع ربوبی که عام‌تر از اعیان ثابت است از دیدگاه عرفا و ملاصدرا و مقایسه بین آن دو، پرداخته نشده است. در این تحقیق دیدگاه ملاصدرا پیرامون صقع ربوبی و نسبت آن با دیدگاه عرفا استخراج نشده است. اثر دیگر «چینش نظام هستی از دیدگاه سعیدالدین فرغانی» است. این اثر، پایان نامه دکتر مهدی کهنوجی است که در بخشی از اثر خود، صقع ربوبی از منظر فرغانی را توضیح می‌دهد ولی ملاصدرا و مقایسه بین دیدگاه او و عرفا را بیان نمی‌دارد. اثر دیگر نزدیک به اثر پیشین، پایان نامه «چینش نظام هستی از دیدگاه کاشانی» نوشته جواد جعفریان است که در آن هم به دیدگاه صدرا و مقایسه آن با عرفا پرداخته نشده است. پایان نامه دیگر با عنوان «حضور ذات یا نفس رحمانی در کثرات» نوشته علی صادقی است که در آن نسبت ذات با نفس رحمانی از دیدگاه عرفا بیان شده است و دیدگاه ملاصدرا در این باره را به خصوص مورد توجه قرار نمی‌دهد. اثر دیگر، پایان نامه «نظام تجلی و وجود رابط» نوشته رضا احسان نیا است که دیدگاه ملاصدرا درباره وجود رابط و نسبت آن با

وحدت شخصی وجود را بررسی می‌کند. پایان نامه دیگر «نقد و بررسی حقایق اندماجی از نظر ملاصدرا» است. این اثر نوشته رضا درگاهی فر است و در آن نظریه حقایق اندماجی از نظر ملاصدرا بحث می‌شود. در این اثر دیدگاه ملاصدرا درباره چگونگی وجود حقایق متعدد به وجود واحد تبیین و توضیح داده می‌شود. به نظر ملاصدرا، حقایق متعدد در مراتب مادون، می‌توانند در وجود برتر و اندماجی مراتب برتر موجود باشند. از این حقیقت می‌توان برای تبیین منشأ پیدایش کثرات در صقع ربوبی و نحوه وجود آنها در ذات حق، بهره جست.

با وجود این آثار، تا به حال صقع ربوبی به صورت مستقل از نظر ملاصدرا بررسی نشده است و در پی آن مقایسه‌ای میان تقریر صقع ربوبی در دو مکتب عرفان نظری و حکمت متعالیه صورت نگرفته است. تحقیقی که بر اساس آن، میزان تأثیر گذاری عرفان نظری بر حکمت متعالیه بررسی گردد. در این تحقیق روشن می‌شود که ملاصدرا تا چه اندازه از عرفان نظری تأثیر پذیرفته و با تحقیقات خود، چه تغییراتی در تقریرهای عرفان نظری ایجاد کرده است. آیا حکمت متعالیه موجب پدید آمدن تقریری جدید از عرفان نظری در عرض تقریرهای عرفان نظری پیش از صدرا بوده است یا آنکه فقط موجب تدقیق و فهم بهتر مطالب گذشتگان در عرفان نظری بوده است.

جنبه نوآوری موضوع

در این تحقیق به دنبال نشان دادن اشتراکات و تفاوت‌های تقریر صقع ربوبی در دو مکتب عرفانی و حکمت متعالی ملاصدرا هستیم. با مقایسه دیدگاه‌های عرفان نظری و ملاصدرا، می‌یابیم که آیا این دو دیدگاه کاملاً بر هم منطبقند یا آنکه در عرض هم قرار دارند. آیا مبانی مطرح در حکمت متعالیه در نحوه تقریر از صقع ربوبی، موجب فهم دقیق‌تر آن گشته است یا موجب تقریری جدید و در عرض عرفان نظری است. بر این اساس میزان استقلال رأی ملاصدرا یا تأثیر پذیری محض او از عرفان نظری، روشن می‌گردد. بررسی کارکردهای صقع ربوبی در حل مسائل فلسفی را نیز می‌توان از نوآوری‌های این تحقیق به حساب آورد.

پرسش اصلی

دیدگاه ملاصدرا درباره صقع ربوبی و اسماء الهی و نسبت آن با دیدگاه عرفا در این زمینه چیست؟

پرسش‌های فرعی

صقع ربوبی در آثار فیلسوفان پیش از ملاصدرا چگونه بیان شده است؟

صقع ربوبی و مراتب و خصوصیات آن در مکتب ابن عربی چیست؟

صقع ربوبی و نسبت آن با ذات و مراتب و خصوصیات صقع ربوبی در نظر ملاصدرا چگونه بیان شده است و نسبت آن با دیدگاه عرفا به چه صورت است؟

کارکردهای صقع ربوبی چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد، تبیینی که ملاصدرا از صقع ربوبی ارائه می‌دهد با عرفان نظری تفاوت‌هایی داشته باشد. ملاصدرا مقام ذات الهی را به گونه‌ای تبیین می‌کند که متفاوت با عرفا است. ملاصدرا در مقام ذات، برخی احکام و خصوصیات را بیان کرده است که در عرفان به صقع ربوبی منتسب است. ملاصدرا احدیت را در صقع ربوبی قرار نمی‌دهد در حالی که عرفا آن را تعیینی از تعینات می‌دانند. همچنین او گاهی عالم عقول را از جهتی متعلق به صقع ربوبی می‌داند که در عرفان چنین چیزی دیده نمی‌شود. بنابر این تفاوت‌هایی در تبیین صقع ربوبی بین این دو مسلک وجود دارد. نکته دیگر آنکه صقع ربوبی با آن خصوصیات که در عرفان و حکمت متعالیه بیان شده است، پاسخ‌گوی برخی از مسائل و مشکلاتی است که در فلسفه بیان شده است.

پیش فرض‌های تحقیق

این تحقیق بر این فرض مبتنی است که ملاصدرا در بسیاری از آموزه‌هایش وامدار عرفای پیش از خود است. با این حال، با توجه به نظام هستی‌شناسی که بنا نهاد، تبیین‌های جدیدی از آموزه‌های عرفان ارائه کرد. پس نظام هستی‌شناسی عرفانی را نمی‌توان عین نظام هستی‌شناسی حکمت متعالیه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

دانست. از سوی دیگر دیدگاه ملاصدرا با حکمای مشاء نیز در مسئله ذات متفاوت است.

کلیات: صقع ربوبی در کلام فیلسوفان متقدم بر ابن عربی

صقع در لغت به معنای ناحیه‌ای از زمین یا خانه است، اطراف یک شیء یا حوزه تحت سیطره و نفوذ یک شیء را نیز گویند.¹ با توجه به این معنای لغوی می‌توان گفت صقع ربوبی باید مقامی غیر از مقام ذات و حقیقت واجب تعالی باشد، ولی از سوی دیگر، نمی‌توان جایگاه آن را مانند ممکنات و مخلوقات دارای وجودی جدا و مستقل از حضرت حق دانست. صقع ربوبی ناحیه و حوزه تحت سیطره واجب تعالی است که به نحوی به ذات حق تعالی متعلق و مرتبط است. صقع ربوبی در نظر حکما، جزو لوازم ذاتی حق تعالی است. اما این که لوازم ذات به چه معنا هستند و نحوه وجود آنها چگونه است و حدود و دامنه صقع ربوبی به چه صورت است؛ مسائلی است که حکما پیرامون آنها اختلاف نظر دارند.

با توجه به معنایی که از صقع ربوبی بیان شد، می‌توان گفت، بسیاری از حکما با الفاظ دیگری از

1. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، تهران، ادب حوزه، 1405 ق ج 8. ذیل صقع؛ کتاب العین، ذیل صقع

این مقام یاد کرده‌اند. مانند: عالم اله،¹ عالم ربوبی²، صقع الهی³، مقام الالوهی⁴ و عالم الهی⁵، مراتب الالهیه⁶ و مقامات الربوبیه.⁷

فارابی در کتاب جمع بین رأی دو حکیم، می‌گوید: افلاطون صور و مثلی را در عالم اله ثابت می‌کند. این صور مجرد، صورت موجودات در عالم اله هستند که آنها را مثل الهی می‌نامند. این صور فساد و دگرگونی نمی‌پذیرند. فلوطین نیز در اثولوجیا، وجود صور روحانی در عالم ربوبی را می‌پذیرد.⁸ اگر عالم مثال را منطبق بر عالم عقل بدانیم، به نظر می‌رسد، افلاطون، عقول را جزو عالم اله دانسته است. به نظر افلاطون عالم اله، وجودی مستقل و جدای از ذات حق تعالی دارد و ذات الهی را شامل نیست.

فلوطین یکی از فیلسوفانی که بسیار از این عالم سخن گفته است. او از پیوند نفس خود با عالم شریف الهی سخن می‌گوید. عالمی که نفس او به آنجا تعلق دارد و فوق عالم عقل است، این عالم علت هر نور و زیبایی است.⁹ وی عالم ربوبی را بالاتر از عالم عقل معرفی می‌کند که منبع تمام

-
1. فارابی، محمد بن طرخان، جمع بین رأی الحکیمین، چاپ دوم، تهران، انتشارات الزهراء، 1405ق، ص 105؛ صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه، ج 9، بیروت، دار التراث، 1981م، ج 1، ص 128
 2. فارابی، ص 105؛ ابن سینا، الهیات شفا، تصحیح حسن زاده آملی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، 1371ش، ص 366؛ ملاصدرا، اسفار، ج 6، صص 147، 142 و 233
 3. ملاصدرا، اسفار، ج 6، ص 233؛ همو، المظاهر الالهیه، تحقیق سید محمد خامنه‌ای، چاپ اول، تهران 1378ش، ص 48؛ همو، مفاتیح الغیب، محمد خواجوی، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات اسلامی، 1363ش، ص 436
 4. ملاصدرا، مفاتیح الغیب، ص 329
 5. فلوطین، اثولوجیا، چاپ اول، قم، انتشارات بیدار، 1413، ص 22؛ فارابی، ص 109
 6. ملاصدرا، اسفار، ج 6، ص 232 و 234؛ همو، العرشیه، تحقیق غلامحسین آهنی، چاپ اول، تهران، مولی، 1361ش، ص 232
 7. همو، اسفار، ج 6، ص 232 و 234؛ همو، رساله فی الحدوث، تهران، بنیاد حکمت صدرا، چاپ اول، 1378؛ ص 212
 8. فارابی، ص 105؛ میرداماد، قیسات، تصحیح مهدی محقق، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، 1367ش، ص 163؛ ملاصدرا، شواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ دوم، مشهد، مرکز جامع نشر، 1360ش، ص 154؛ همو، اسفار، ج 2، ص 46
 9. فلوطین، ص 22؛ فارابی، ص 109؛ ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ص 218

موجودات و افاضه کننده تمام خیرات است.¹ بر این اساس عوالم وجودی را چنین بر می‌شمرد: عالم ماده، عالم نفس، عالم عقل و عالم ربوبی.² در میان حکمای اسلامی برخی چون بغدادی و شهرزوری، به عوالم چهارگانه تصریح کرده‌اند.³ برخی نیز به گونه‌ای سخن گفته‌اند که گویا مراد از عالم ربوبی همان عالم عقل و مثل افلاطونی است.⁴

فارابی در جمع بین سخن افلاطون و فلوطین معتقد می‌شود که صور الهی نمی‌توانند به صورت موجودات مجردی جدا از حضرت حق موجود باشند زیرا موجب تسلسل می‌شود. پس مراد از عالم ربوبی، عقول و مفارقات نیستند. علاوه بر آن اگر این صور در ذات الهی موجود باشند موجب پدید آمدن مفاسدی از قبیل راه یافتن کثرت، ترکیب و تبدیل و تبدل در ذات حق تعالی می‌شود. به اعتقاد فارابی، برای جلوگیری از این قبیل مشکلات، باید سخن ایشان را به گونه‌ای درست تفسیر کرد.

به نظر وی هنگامی که از صور الهی سخن می‌گوییم باید به گونه‌ای غیر مادی آنها را تفسیر کنیم که از مفاسد خالی باشند. صور الهی همچون اوصاف مادی نیستند که زائد بر ذات معروض خود باشند. از آنجا که این صور همچون عقول، وجودی مستقل و جدای از حضرت حق ندارند به همین سبب موجب راه یافتن کثرت در ذات حق نیستند اما از سوی دیگر غیر چون صور علمی حق هستند، باید آنها را غیر از ذات حق دانست و می‌توان گفت که آنها صوری موجود در عالم اله هستند. فارابی درباره ضرورت وجود چنین صوری نیز معتقد است؛ از آنجا که حق تعالی ایجاد کننده عالم و تمام موجودات موجود در آن است؛ باید به آنچه می‌خواهد ایجاد کند علم داشته باشد و این با وجود صوری علمی برای حق تعالی ممکن است. در غیر این صورت حق تعالی چگونه می‌تواند چیزی را

1. فلوطین، ص 231 و 234

2. همو، ص 230 و 234

3. بغدادی، ابو البرکات، معتبر، چاپ دوم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1373ش، ج 3، ص 20 و 144؛ شهرزوری، شمس‌الدین محمد، شرح حکمه الاشراق، تصحیح حسین ضیایی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، 1380ش، ص 13

4. سهروردی، مجموعه مصنفات، تصحیح نجفقلی حبیبی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علم انسانی، 1380ش، ج 2، ص 303؛

شهرزوری، شرح حکمه الاشراق، ص 400 و 412 و ص 12

ایجاد کند که نمی‌داند چیست و به آن علم ندارد. از آنجا که حق تعالی ثابت و ازلی است، هیچ تغییر و تبدیلی در او راه ندارد این صور نیز باید ثابت و ازلی باشند که در عالم اله موجودند چرا که این صور عوارضی متباین از ذات نیستند که از خارج بر ذات حق تعالی نقش بسته باشند.¹

پس عالم اله ثابت و ازلی است و صوری که در آن هستند نیز به همین سبب ثابت و ازلی هستند. این صور با آنکه از عوارض و لوازم ذات هستند مابین از ذات نیستند. می‌توان گفت با توجه به آنکه ذات غیر از لوازمش است و لوازم در مرتبه بعد از ذات قرار دارند، ذات باید غیر از عالم اله باشد.

یکی از حکمایی که به تصریح از صقع ربوبی نام برده است، ابن سینا است. می‌توان گفت، ابن سینا به همان سخنان فارابی معتقد است. او با توضیحات بیشتر در صدد رفع شبهات وارد به نظر فارابی است. به عقیده ابن سینا، علم حق تعالی به دو نحو است: علم ذاتی حق و علم حق به واسطه صور. در مرتبه ذات، صور مترتب و متخالف وجود ندارند. ذات حق اشیاء را به صورت دفعی و یکجا درک می‌کند به همین سبب تکثری در ذات راه پیدا نمی‌کند. چون حق تعالی ذات خود را تعقل می‌کند و ذات او مبدأ تمام اشیاء است، با تعقل ذات خود به صورت دفعی و یکجا تمام اشیاء را تعقل می‌کند. این علم موجب پدید آمدن صور معقول می‌شود. پس حق تعالی در مرتبه ذات، اشیاء را با صورتشان درک نمی‌کند بلکه این صور، از علم واجب در مرتبه ذات به وجود آمده‌اند.²

واجب با علم به حقیقت خویش به صور حقیقت اشیاء علم پیدا می‌کند و مطابق این صور، اشیاء در خارج موجود می‌شوند. این صور موجب شکل‌گیری عالم ربوبی هستند. از آنجا که صور معقول که از ذات حق فیضان می‌کنند، علت وجود اشیاء خارجی هستند و از اشیاء خارجی پدید نیامده‌اند؛ عالم ربوبی بر اشیاء موجود و ممکن معدوم احاطه دارد. نسبت صور معقول به ذات حق تعالی مانند نسبت مبدأ به شیء افاضه شده از آن است نه مانند نسبت موضوع به شیء حلول کرده در آن. بین صور افاضه شده از سوی واجب ترتیب خاصی بر قرار است. این ترتیب موجب تقدم و تأخر زمانی

1. فارابی، ص 106-107

2. ابن سینا، ص 389 و 390

صور برای واجب نیست، بلکه این صور، با ترتیب خاصی که دارند، همگی باهم نزد خداوند حاضر هستند.¹

خلاصه آن که ابن سینا بعد از بیان ضرورت وجود علم حق به موجودات قبل از ایجادشان، در بیان نسبت بین صور علمی با ذات حق، جایگاه این صور را در صقع ربوبی می داند. به اعتقاد وی، حق از آنجا که به ذات خود علم دارد به هر آنچه از آن افاضه می شود نیز علم دارد. این علم موجب علم به تمام موجودات می شود، چه آنها موجود شده باشند یا خیر. بر این اساس، عالم ربوبی، به وجودات ایجاد شده و ایجاد نشده محیط است و قبل از ایجاد آنها، به صور علمی آنها و نه به وجود خارجی آنها علم دارد. برای این صور علمی چند حالت قابل تصور است:

1. این صور، جزاء ذات باشند. در این صورت در ذات واجب تکثر راه پیدا می کند. علاوه بر آن، صور معقول بعد از ذات به وجود می آیند پس نمی توانند اجزاء ذات باشند.

2. صور در ذات اول تعالی موجود باشند مانند لوازم که به ذات ملحق می شوند. به نظر ابن سینا، لوازم و لواحق ذات به لحاظ وجودی بعد از ذات و ممکن هستند.

3. هر یک از صور علمی با وجودی مفارق و ذاتی غیر واجب در صقع ربوبی موجود باشند. اگر مراد از این صور مفارق، مثل افلاطونی باشد، اشکالات وارد بر وجود مثل پیش می آید. از جمله آن که علم حق تعالی به آنها قبل از وجودشان با چه چیزی حاصل می شود.

4. صور علمی در موجود دیگری مانند عقل یا نفس موجود باشند که این موجب تسلسل در صور می شود.²

ابن سینا نظر خود درباره ارتباط صور علمی با ذات حق را چنین توضیح می دهد: حالت دوم از فرضیهایی که گفته شد قابل پذیرش است. صور عقلی لواحق و اضافه‌هایی ممکن الوجود به ذات حق تعالی در عالم ربوبی و خارج از ذات واجب هستند. از آنجا که این صور خارج از ذات هستند، موجب

1. همان، ص 390

2. همان، ص 391

تکثر ذات و راه یافتن امکان به ذات نیستند. چرا که واجب تعالی از این جهت که علت وجود ممکنات است، واجب الوجود نیست بلکه واجب به لحاظ ذات خویش واجب است.¹

نتیجه آنکه می توان صقع ربوبی از نظر سینا را چنین بیان کرد: صقع ربوبی یا عالم ربوبی از لوازم و لواحق ممکنی است که بعد از مرتبه ذات قرار دارد و نمی توان ذات را جزو این عالم به حساب آورد. عالم ربوبی از صور عقلی تشکیل شده است که از علم ذات به ذات به وجود می آید و موجب علم به صور معقول موجودات است. این صور وجودات مفارق و جدای از حق ندارند بلکه اضافه به ذات حق دارند بنابر این عالم عقل جزو صقع ربوبی به شمار نمی رود. صور معقول، به ذات حق، اضافه عقلانی دارند نه اضافه وجودی. این صور مانند لوازم مادی، در چیزی حلول نکرده اند بلکه از ذات حق پدید آمده اند و افاضه علمی حق هستند. صور معقول علت علمی تحقق اشیاء در خارج هستند. بنابر این می توان برای اشیاء دو نحوه وجود در نظر گرفت: وجود علمی که همان صور معقول آنها در صقع ربوبی و پیش از به وجود آمدن آنها است و وجود خارجی که صور خارجی اشیاء است و مطابق صور معقول واقع در صقع ربوبی است. همان گونه که دیده می شود شاید بتوان دیدگاه ابن سینا را تکامل یافته همان عقیده فارابی پیرامون صقع ربوبی دانست.

نکته قابل توجه در دیدگاه ابن سینا، آن است که وی برای صقع ربوبی وجودی غیر از حق ولی متصل و مرتبط با حق در نظر می گیرد. وجودی که از سنخ صور معقول است و اضافه به واجب دارد و وجودی مستقل نیست.

برخی از حکمای بعد از شیخ، از جمله سهروردی و خواجه نصیرالدین طوسی، با بیان اشکالاتی، عالم اله یا صقع ربوبی ترسیم شده از سوی مشاء را را زیر سوال بردند.² خواجه نصیرالدین طوسی علم حق را با صور مرتسم در عقل تبیین کرد³ و به این ترتیب، صقع ربوبی را زیر سوال برد. در حالی که دیدگاه خواجه پیش از آن از سوی ابن سینا و فارابی مردود اعلام شده بود.

1. همان، ص 390 - 392

2. سهروردی، ج 2، ص 151؛ همان، ج 1، ص 478 و 480

3. نصیرالدین طوسی، شرح اشارات، قم، دار البلاغه، 1375ش، ج 3، ص 306

اشراقیون از جمله سهروردی و شهرزوری، علم حق به موجودات را با علم حضوری تبیین کردند.¹ این علم از آنجا که علم حق به مخلوقات پیش از خلقتشان را شامل نیست، کافی به نظر نمی‌رسد. شهرزوری در عباراتی ناظر به دیدگاه ابن سینا معتقد است؛ از آن جا که ابن سینا نتوانست علم حضوری حق به موجودات را بیان کند به علم صوری (حصولی) برای حق معتقد شد. ابن سینا برای آن که به مفاسد وجود صور در ذات حق تعالی دچار نشود آنها را گاهی در موجودات دیگر مانند عقل اول قرار داد و گاهی آنها را جزو صقع ربوبی دانست. همان گونه که گذشت، ابن سینا، صور موجود در عقل را موجب علم حق نمی‌داند و آن را رد کرد. بلکه این نظر از سوی خواجه اعلام شد.

شهرزوری با ابراز تعجب از صقع ربوبی بیان شده از سوی ابن سینا می‌گوید؛ برای من، صقعی که صور علمی در آن قرار دارند قابل فهم نیست. به گفته شهرزوری، ابن سینا در اشارات، صور مرتسم را موجود در ذات حق تعالی می‌داند به گونه‌ای که موجب تکثر در ذات نشود. صور مرتسم در این بیان، کثراتی خارج از ذات هستند که به ذات لاحق می‌شوند ولی از آنجا که جزو حقیقت ذات نیستند موجب تکثر ذات نمی‌گردند.² از شهرزوری عباراتی به چشم می‌خورد که گویا صور مرتسم را به نحوی توجیه کرده است؛ به گفته شهرزوری، کسانی که علم حق را به واسطه صور می‌دانند، با آن که وجود این صور را در ذات حق می‌دانند ولی به مباینت ذات با این صور اعتراف دارند. همان گونه که عرفا قائلند که موجودات ممکن، نه داخل در ذات حق تعالی هستند و نه مباین ذات.³

این سخن شهرزوری، می‌تواند به تفسیری درست از صقع ربوبی و عالم اله بیان شده از سوی ابن سینا بیانجامد. اگر رابطه وحدت وجود و مخلوقات را بتوان به خوبی تشریح کرد، به همان صورت می‌توان نسبت حق تعالی با صور معقول را نیز بیان داشت. همان گونه که در نظر عرفا، موجودات در عین تکثر، وجود واحدی دارند، صور علمی حق نیز در عین تکثر، می‌توانند به وجود واحد حق موجود باشند. صور علمی، به لحاظ وجود به ذات حق تعلق دارند و به لحاظ معنا، مباین ذات هستند.

1. سهروردی، ج 1، ص 487؛ همان، ج 2، ص 152-153

2. شهرزوری، رسائل شجره الهیه، تصحیح نجفقلی حبیبی، ج 3، چاپ اول، تهران، موسسه حکمت، 1383ش، ج 2، ص 502

3. شهرزوری، رسائل شجره الهیه، ج 2، ص 503-504

همان گونه که در ادامه خواهد آمد، عرفا و ملاصدرا در آثار خود با پذیرش اعیان ثابت و صور مرتسم به گونه‌ای آنها را تفسیر می‌کنند که اشکالات وارد بر این نظر دفع می‌شوند.

جمع بندی

در میان حکمای پیش از ملاصدرا، اعم از مشائی و اشراقی، به صقع ربوبی اشاره شده است. ولی مراد ایشان از صقع ربوبی یا عالم اله به روشنی مشخص نیست و می‌توان آن را به عالم عقل یا لوازم ذات که بعد از ذات و به صورت امکانی موجودند تفسیر کرد.